



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته روانشناسی عمومی

عنوان:

بررسی رابطه بین ویژگیهای شخصیتی و رضایت زناشویی در میان

معلمان شهر تهران

استاد راهنما:

خانم دکتر فریده عامری

استاد مشاور:

خانم دکتر فاطمه بیگم رضا زاده

دانشجو:

مینا عظیم لو

اسفند 1386

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

به پاس عاطفه سرشارشان

به پاس قلب بزرگشان که فریادرس است

به پاس تشویقهای گرما بخششان در تمام سالهای تحصیلم

و به پاس محبتهای بی دریغشان که فروکش نمی کند.

تشکر و قدردانی

از استاد ارجمندم سرکار خانم فریده عامری که با راهنمایی های ارزنده و با صحنه صدر اطلاعات و تجربیات خود را در اختیار بنده گذاشته، تشکر و قدر دانی می نمایم.

از استاد بزرگوارم سرکار خانم رضا زاده که زحمت مشاوره پایان نامه بنده را با نظارت همه جانبه و با گشاده رویی بر عهده گرفتند تشکر می نمایم.

و کلیه دوستان و عزیزانی که در هر یک از مراحل این پژوهش ، اینجانب را یاری نمودند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده :

این پژوهش درصدد بررسی رابطه بین ویژگیهای شخصیتی و رضایت زناشویی درمیان معلمان شهر تهران بود. برای آزمون فرضیات این پژوهش از روش تحقیق همبستگی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان شهر تهران بود که 15 سال از ازدواجشان می گذشت. نمونه های این پژوهش 91 نفر از معلمان زن مدارس شهر تهران به همراه همسرانشان (جمعاً 182 نفر) بود که به شیوه خوشه ای چند مرحله ای از مناطق 5 و 18 انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه پنج عاملی نئو و پرسشنامه سازگاری دونفره بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش آماری همبستگی پیرسون و آزمون تی مستقل استفاده گردید. آزمودنیها و همسرانشان براساس نمراتشان در مقیاسهای ویژگیهای شخصیت نئو به چهار گروه تقسیم شدند. گروه اول: زن و مرد در هر یک از مقیاسها نمرات بالا داشتند. گروه دوم: زن و مرد در هر یک از مقیاسها نمرات پایین داشتند. گروه سوم: زن در هر یک از مقیاسها نمره پایین و مرد نمره بالایی داشت. گروه چهارم: زن در هر یک از مقیاسها نمره بالا و مرد نمره پایینی داشت. نتایج نشان داد که در تمام ابعاد آزمون نئو به جز انعطاف پذیری بین رضایت زناشویی و ویژگی شخصیتی زوجین رابطه معناداری وجود داشت. در ویژگی روان نژندگرایی در گروه 4 و در ویژگیهای برون گرایی، دلپذیری و با وجدان بودن در گروه 1 بین رضایت زناشویی زوجین و ویژگی شخصیتی آنها رابطه معناداری وجود داشت و به تفکیک جنسیت در زنان در گروه های 4 و 3 بین رضایت زناشویی زنان و روان نژندگرایی رابطه معنی دار منفی وجود داشت، در گروه های 1 و 3 بین رضایت زناشویی آنها و ویژگی شخصیتی برون گرایی، در گروه 3 بین رضایت زناشویی زنان و ویژگی دلپذیری رابطه معنی دار مثبت وجود داشت، در هیچ یک از گروه ها بین رضایت زناشویی زنان و ویژگی با وجدان بودن رابطه معنی داری وجود نداشت. در مردان در هیچ یک از گروه ها بین رضایت زناشویی آنها و ویژگی روان نژند گرایی رابطه معنی داری وجود نداشت، در گروه 4 بین رضایت زناشویی مردان و ویژگیهای برون گرایی و دلپذیری و در گروه 1 بین رضایت زناشویی مردان و ویژگی با وجدان بودن رابطه معنی دار مثبت وجود داشت.

فهرست مطالب

1- فصل اول: کلیات پژوهش

1-1	مقدمه	9
2-1	بیان مساله	11
3-1	پرسش های پژوهش	13
4-1	ضرورت و هدف پژوهش	13
5-	فرضیات پژوهش	14
6-1	تعریف عملیاتی سازه ها	15

2- فصل دوم: مفاهیم ، نظریات و پیشینه پژوهش

1-2	تعریف ازدواج	18
1-1-2	انگیزه ها و اهداف ازدواج	19
2-1-2	ازدواج موفق	22
2-2	عوامل موثر برانتخاب همسر	24
1-2-2	نظریه همسان همسری	25
2-2-2	نظریه ناهمسان همسری	30
3-2	تعریف خانواده	33
1-3-2	اهمیت و کارکرد خانواده	34
2-3-2	خصوصیات خانواده های سالم و بالنده	36
4-2	رضایت زناشویی	38

40	1-4-2 عوامل مؤثر بر رضایتمندی زناشویی
64	2-4-2 رضایت زناشویی در مراحل مختلف زندگی
68	5-2 اهمیت شخصیت
68	1-5-2 تعریف شخصیت
69	2-5-2 نظریه های شخصیت
70	1-2-5-2 رویکرد تیپ شناسی
70	2-2-5-2 رویکرد صفات
72	3-2-5-2 رویکرد شناختی
73	4-2-5-2 رویکرد تحلیل عاملی
75	5-2-5-2 مدل پنج عاملی شخصیت
78	4-5-3 حیطه های پنج گانه شخصیت
81	5-5-2 رویه ها
85	6-5-2 طبقه بندی افراد بر اساس مقیاس ها
88	6-2 پیشینه تحقیق
88	1-6-2 تحقیقات انجام شده در خارج از کشور
108	2-6-2 تحقیقات انجام شده در ایران
	3- فصل سوم: طرح پژوهش
115	1-3 نوع پژوهش
115	2-3 جامعه آماری

115	3-3 متغیرهای کنترل
115	4-3 نمونه پژوهش
115	5-3 روش نمونه گیری
116	6-3 ابزار پژوهش
119	7-3 روش آماری پژوهش
4- فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها	
121	4-1 مقدمه
122	2-4 توصیف داده ها
149	3-4 بررسی فرضیه ها
4- فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری	
163	1-5 مقدمه
163	2-5 تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش
179	3-5 محدودیتهای پژوهش
179	4-5 پیشنهادات پژوهش
181	منابع فارسی
189	منابع لاتین
193	پیوستها

فصل اول

کلیات پژوهش

1-1 مقدمه

از نیازهای اصلی انسان در جوانی نیاز به داشتن همسر است. جوانی مرحله ای است که آدمی از لحاظ جسمانی و عاطفی نیازمند است که شریکی در کنار خود داشته باشد. آنها دوست دارند که این نیاز و تحول کیفی در زندگی آنها اتفاق بیفتد (حاجی علیان، 1384).

در بین تمام مراسم، آداب و حوادث اساسی انسانی ازدواج از اهمیت بسزایی برخوردار است و هیچ نهادی نیست که مانند آن جهانی شده باشد به همین دلیل هیچ نهادی مانند آن تحت تأثیر دگرگونی های اجتماعی قرار نمی گیرد (ساروخانی، 1381).

ازدواج نقطه شروع تشکیل یک واحد کوچک است. پیوندی کوچک با تبعاتی بسیار عظیم و بزرگ، آثار موفقیت و کامیابی در ازدواج و در مقابل شکست و فروپاشی آن از کانون کوچک یک خانواده گرفته تا عرصه وسیع جامعه را در بر می گیرد. مشکلات روحی و عاطفی، مسایل اجتماعی و فرهنگی، بزهکاری ها، درهم شکستن ها، خود را به ویرانی کشاندن ها، همه و همه می توانند از تبعات یک اتصال نا موفق باشند که عوامل انقطاع این زنجیر ریشه در عوامل متعددی از جمله ویژگی های شخصیتی افراد دارد. ازدواج به عنوان مهمترین و عالی ترین رسم اجتماع برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال همواره مورد تأیید بوده است (ستیر، 1380).

ازدواج پایه و اساس ارتباط انسانی را تشکیل می دهد و در آن مرد و زن به وسیله یک نیروی فطری ناشی از غرایز، آیین، شعائر و عشق به هم جذب می شوند و به طور آزادانه و کامل تسلیم یکدیگر شده تا واحد پویایی را به عنوان خانواده ایجاد نمایند (لاندریس، 1975).

خانواده با پیوند زناشویی شکل می گیرد و تداوم آن نیز بستگی به تداوم پیوند زناشویی دارد. خانواده نخستین نهاد بشری و ابتدایی ترین و کوچک ترین واحد جامعه است و نهادی است که از یک سوی با جامعه و از سوی دیگر با خود فرد پیوند دارد و رسیدن به جامعه ای سالم در گرو دستیابی به خانواده ای سالم است.

خانواده محیطی مقدس، با صفا و به زیباترین تعبیر قرآنی محل سکون و آرامش واقعی است. علت توجه اندیشمندان علوم مختلف نسبت به خانواده را می توان در اهمیت خانواده به عنوان کانون اصلی زندگی فردی و اجتماعی، نقش و کارکرد آن بر رشد و تعالی شخصیت فردی و هویت جمعی افراد دانست و از سوی دیگر مهمترین و اولین کارکرد آن تأمین نیازهای عاطفی اعضا و ترویج و اشاعه این نیازها از راه ایجاد روابط محبت آمیز و دوستیهای ژرف در میان افراد جامعه مطرح شده است.

آنچه از خود ازدواج مهمتر است رضایت از ازدواج است. رضایت زناشویی یکی از مهمترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده می باشد. همه زوج ها به دنبال آن هستند که از زندگی زناشویی خود لذت ببرند و احساس رضایت داشته باشند. رضایت زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس ناشی از خوشبینی و رضایت از هم دارند.

رضایت زناشویی در بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان تأثیر می گذارد: نقش والدین را تسهیل می نماید، عمر زن و شوهر را طولانی می کند، باعث افزایش سلامت فردی و رضایت بیشتر از زندگی می شود، یک تعادل منطقی بین نیازهای مادی و معنوی زوجین ایجاد می کند ولی از سوی دیگر، چنانچه ازدواج و زندگی خانواده، شرایط نامساعدی را برای ارضای نیازهای زوجین ایجاد کند، اثرات منفی و جبران ناپذیری را به جای می گذارد. اشکال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی-اخلاقی در بین زوجین، اختلالات عصبی، افسردگی، خودکشی می تواند از پیامدهای اختلافات خانوادگی باشد. از این رو افزایش رضایت زناشویی به عنوان یکی از اقدامات برای افزایش بهداشت روانی فرد و جامعه می باشد و بررسی عوامل مؤثر در رضایت زناشویی از این جهت حائز اهمیت است که رضایت فرد از زندگی زناشویی بخش مهمی از سلامت فردی و اجتماعی محسوب می گردد. بنابراین با توجه به نقش و اهمیتی که ازدواج و خانواده می تواند بر بهداشت روانی فرد و جامعه داشته باشد و با توجه به اهمیتی که جوامع امروزی برای تداوم و بقای سلامت و بهداشت روانی افراد

جامعه قایل هستند بررسی و شناخت عوامل مؤثر در پایداری و موفقیت ازدواج ضروری به نظر می رسد. موفقیت در ازدواج به عوامل زیادی از قبیل میزان آمادگی برای ازدواج، تحصیلات، زمینه قبلی و خانوادگی فرد، بحران های تجربه شده، الگوی قدرت حاکم بر خانواده قبلی، سن، تعهد، حساسیت، صمیمیت، احترام، اعتماد، ویژگی های شخصیتی بستگی دارد.

یکی از مهمترین این عوامل، ویژگی های شخصیتی زوجین می باشد که می تواند نقشی مهم در رضایت زناشویی داشته باشد که می توان با شناخت و آگاهی یافتن از ویژگی های شخصیتی زوجین، شباهت ها و تفاوت های میان آنها، جهت بالا بردن رضایتمندی زناشویی گام های مؤثری برداشت و از این راه به پایداری و دوام خانواده و در نتیجه پیشرفت و تعالی جامعه کمک نمود.

در تحقیق حاضر در جستجوی بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و شباهت ها و تفاوت های ابعاد شخصیتی زوجین با رضایت زناشویی می باشیم.

2-1 بیان مساله

ازدواج حساس ترین تعهد عاطفی است که انسان برای برخورداری از آرامش روانی و روابط گرم و صمیمی آن را می پذیرد. نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط مرد و زن بر پایه های مناسب است. انسانی ترین عمل برای تنظیم این روابط، پیوند زناشویی است که می توان از آن به عنوان عامل اصلی اتحاد زن و مرد برای بهبود و پیشرفت آینده یاد کرد (احمدی زاده، امرودی، 1382).

رابطه زناشویی رابطه منحصر به فردی است که در کنش و واکنش ها و رفتارهای همسران نسبت به یکدیگر نشان داده می شود. هر یک از همسران می توانند عمیق ترین تجربه های عشق، صمیمیت و آرامش را که فرد می تواند در تمام طول عمر خود تجربه کند، در آن بیابد، در عین حال که می تواند عمیق ترین بی علاقهگی، نفرت و ضربه های روانی را تحمل کند.

ازدواج سبب پیدایی خانواده است. خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که به لحاظ اهمیت، نقش و کارکردهای مختلف، مورد توجه علمای مذهبی، اخلاقی، صاحب نظران تعلیم و تربیت، روانشناسی و جامعه شناسی قرار گرفته است.

خانواده ناسالم از یک سو می تواند نقش مهمی در بروز و ایجاد و تداوم آسیب های اجتماعی و کاهش بهداشت بدنی و روانی زن، شوهر و فرزندان و جامعه داشته باشد وازسوی دیگر خانواده سالم می تواند عامل افزایش بهداشت روانی و جسمی زن و شوهر و فرزندان باشد و سلامت خانواده درگرو سلامت و تداوم روابط بین زن و شوهر می باشد. نبودن رابطه مطلوب بین زوجین، اثرات مخربی بر روی رشد عاطفی و شخصیتی اطفال می گذارد. رضایت فرد از رابطه زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده محسوب می شود. بنابراین لزوم بررسی رضامندی زناشویی و ابعاد گوناگون آن و همچنین تعیین عوامل تأثیرگذار بر رضامندی زناشویی، بیش از پیش ضرورت می یابد.

نقش شخصیت و شباهت ها و تفاوت های ابعاد شخصیتی زوجین به عنوان یک عامل مهم از میان عوامل گوناگون مؤثر در رضایت زناشویی قابل توجه است و آگاهی یافتن از ویژگی های شخصیتی زوجین و همسان یا مکمل بودن آنها در ویژگی های شخصیتی می تواند درک و آمادگی درمانگران را در حل مسایل خانوادگی بالا ببرد و به این طریق می توان در بهبود مهارت های مشاوره ای گامهای مؤثر برداشت. به همین منظور مساله مهم در تحقیق حاضر این است که مشخص سازیم آیا زوجین با ویژگی های شخصیتی همسان رضایت زناشویی بیشتری دارند یا زوجینی با ویژگی های شخصیتی مکمل؟ در چه ویژگی های شخصیتی زنان و مردان با هم تفاوت دارند؟ و چه عوامل شخصیتی می تواند در رضایت زناشویی مؤثر باشد؟

لذا این پژوهش با عنوان (بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی با رضایت زناشویی) مقدمات زندگی زناشویی مطلوب و پیشگیری از زندگی نامطلوب را فراهم می سازد.

3-1 پرسش های پژوهش

- 1) آیا بین ویژگی های شخصیتی¹ زنان و مردان تفاوت معنی داری وجود دارد؟
- 2) آیا شباهت در بعد شخصیتی روان نژند گرایی² با رضایت زناشویی رابطه معنی دار دارد؟
- 3) آیا شباهت در بعد شخصیتی برون گرایی³ با رضایت زناشویی رابطه معنی دار دارد؟
- 4) آیا شباهت در بعد شخصیتی انعطاف پذیری⁴ با رضایت زناشویی رابطه معنی دار دارد؟
- 5) آیا شباهت در بعد شخصیتی دلپذیری⁵ با رضایت زناشویی رابطه معنی دار دارد؟
- 6) آیا شباهت در بعد شخصیتی باوجدان بودن⁶ با رضایت زناشویی رابطه معنی دار دارد؟

4-1 ضرورت و هدف پژوهش

بزرگترین شادمانی ما و عمیق ترین احساس رضایت باطنی از زندگی و بیشترین آرامش درونی انسان زمانی حاصل می شود که بتوان عضوی از یک خانواده خوشبخت بود. خانواده ای که در آن عشق و مهر حکم فرمایی کند و یکدیگر را دوست بدارند. جدیت و تلاش های فوق العاده و پیشرفت و موفقیت در کارها هنگامی اسباب خوشنودی خاطر می گردد که بتوان از آرامش کانون خانواده بهره و لذت برد و در شادمانی و نشاط آن شریک شد.

با در نظر گرفتن نقشی که رابطه زناشویی می تواند بر مفهوم بهداشت روانی و آرامش درونی داشته باشد شناسایی عوامل مؤثر در رضایتمندی زناشویی می تواند اقدامی مهم در حفظ بهداشت روانی اجتماع به شمار آید. از طرفی دیگر پژوهشها نشان داده که میزان طلاق در سال های اخیر در کشورمان سیر صعودی داشته است. معاون حقوقی

¹. Traits Personality

². Neuroticism

³. Extraversion

⁴. Openness to Experience

⁵. Agreeableness

⁶. Conscientious

سازمان ثبت احوال در نه ماهه سال 1386، هفتادوپنج هزار و سیصد و سیزده مورد طلاق را اعلام نمود که در مدت مشابه نسبت به سال گذشته 6/08 درصد رشد داشته است. همچنین بنابر گفته مدیرکل آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی طلاق در کشور دوازده درصد رشد مثبت و ازدواج بیست و دو درصد رشد منفی داشته است. بنابراین با توجه به افزایش میزان طلاق لزوم توجه بیش از حد به نحوه مقابله مؤثر با طلاق آشکارتر می شود، همچنین با توجه به تبعات ازدواج ناموفق از جمله آسیب های اجتماعی، افسردگی، خودکشی، انزوا، مشکلات سلامتی، مشکلات در رشد و تحصیلات فرزندان، لزوم بررسی تعیین کننده های کیفیت روابط زناشویی به منظور پیشگیری امری ضروری به نظر میرسد. با توجه به این که ویژگی های شخصیتی زوجین می تواند در رضایت از زندگی زناشویی تأثیر داشته باشد و در کشور ما پژوهش های کمی در زمینه همسانی و مکمل بودن از نظر ویژگی های شخصیتی زوجین و تأثیر آن بر رضایت زناشویی صورت گرفته، بررسی پژوهشی با هدف مقایسه تضاد ها و همانندیهای ابعاد شخصیتی زوجین و تأثیر آن بر رضایت زناشویی لازم به نظر می رسد. هدف از این تحقیق کمک به خانواده ها و مراکز مشاوره می باشد که با در نظر گرفتن ویژگی های شخصیتی زوجین و شباهت ها و تفاوت ها در هر یک از ابعاد شخصیتی آنها و تأثیری که آن بر رضایت زناشویی دارد بتوان برنامه ریزی های دقیق تری جهت رشد بهداشت روانی خانواده ها توسط مراکز مشاوره صورت داد. همچنین این تحقیق می تواند تا حدی به دختران و پسران جوان کمک کند تا بتوانند با شناخت و آگاهی بیشتر و با در نظر گرفتن ابعاد مختلف شخصیتی خود، همسر آینده خود را انتخاب کنند و یک خانواده مستحکمی ایجاد نمایند تا بتوانند از احتمال ایجاد یک ازدواج ناموفق و طلاق پیشگیری کنند.

1-5 فرضیات پژوهش

- 1) بین ویژگی های شخصیتی زنان و مردان تفاوت معنی داری وجود دارد.
- 2) شباهت در بعد شخصیتی روان نژند گرایی زوجین با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد.

3) شباهت در بعد شخصیتی برون گرایی زوجین با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد.

4) شباهت در بعد شخصیتی انعطاف پذیری زوجین با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد.

فرضیه فرعی : شباهت در بعد شخصیتی دلپذیری زوجین با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد.

6) شباهت در بعد شخصیتی باوجدان بودن زوجین با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد.

6-1 تعریف عملیاتی سازه ها

1- ویژگی های شخصیتی: منظور از ویژگی های شخصیتی در این پژوهش، ابعاد شخصیتی افراد است که براساس پرسشنامه پنج عاملی نفو (NEO-FFI) سنجیده می شود. این پنج عامل بزرگ عبارتند از: نورو تیسیم (N) که عصبیت یا بی ثباتی هیجانی نیز نامیده می شود، برون گرایی (E)، باز بودن به تجربه (O)، دلپذیری (O)، باوجدان بودن (C).

1- عامل نورو تیسیم در آزمون NEO-FFI دارای دو مقیاس عاطفه منفی و سرزنش خویش است. N دربر گیرنده عناصری بیش از آسیب پذیری به ناخوش احوالی روانشناختی است. در زن و مردی که دارای نمره بالا در N باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که دارای باورهای غیر منطقی باشند، قدرت کمتری در کنترل تکانه ها داشته باشند و درجه های انطباق ضعیف تری با دیگران و شرایط فشار روانی نشان دهند. شاخص N در این آزمون همانند دیگر شاخص های این آزمون، جنبه های شخصیت بهنجار را می سنجد .

2- برون گرایی: عامل برون گرایی در آزمون NEO-FFI دارای سه مقیاس عاطفه مثبت، جامعه پذیری، فعالیت است. افراد برون گرا افرادی قاطع، فعال و حراف هستند، هیجان و تحرک را دوست دارند. در برابر برون گرایان، درون گرایان را به آسانی نمی توان تعریف کرد. در برخی جنبه ها، درون گرایی را می توان به نبود ویژگی های برون گرایی توصیف کرد. درون گرایان هر چند به سرخوشی و فعالی برون گرایان نیستند اما افراد ناخوش نیز نیستند. با توجه به این گفتار به نظرمی رسد که شکستن قانون (همه یا هیچ) یا دوبعد نگری (راضی و ناراضی) و

(برون گرایی و شرم رویی) می تواند دیدگاه گسترده تری به شناخت شناسی شخصیت بدهد.
3- باز بودن: عامل باز بودن در آزمون NEO-FFI دارای سه مقیاس علایق زیباشناسی، علایق ذهنی، غیرسنستی می باشد. افراد باز، انسان هایی هستند که در باروری تجربه های درونی و دنیای پیرامون کنجکاوند . در نظر بسیاری (باز بودن) ممکن است معادل سالمتر بودن به نظر آید، اما ارزش باز بودن یا بسته بودن، وابسته به ضرورت ها در موقعیت هاست.

4- توافق (دلپذیری): عامل توافق در آزمون NEO-FFI دارای دو مقیاس گرایش موافق، عام المنفعه می باشد. همانند برون گرایی، شاخص توافق بر گرایش های بین فردی تأکید دارد. این عامل به سمت جنبه های مثبت اجتماعی و سلامت بیشتر روانی سوق دارد.

5- باوجدان بودن: عامل باوجدان بودن در آزمون NEO-FFI دارای سه مقیاس نظم پذیری، تلاش هدفمند، قابل اتکا بودن است . دو ویژگی عمده توانایی کنترل تکانه و تمایلات و به کارگیری طرح و برنامه در رفتار، برای رسیدن به اهداف مورد بررسی در شاخص C این آزمون قرار می گیرد (حق شناس، 1385).

2) رضایت زناشویی¹ : منظور از رضایت زناشویی در این تحقیق نمره ای است که فرد در مقیاس DAS کسب می کند. این مقیاس چهار بعد رابطه را می سنجد که عبارتند از رضایت دونفری، همبستگی دونفری، توافق دونفری و ابراز محبت.

تعریف مفهومی رضایت دو نفره: شامل توافق و تفاهم درباره امور مختلف و عدم اختلاف و کشمکش است.
تعریف مفهومی همبستگی دو نفره: شامل علایق مشترک و تبادل نظر، همکاری و مذاکره در امور مختلف می باشد.
تعریف مفهومی توافق دو نفره: توافق در امور مذهبی و نگرش ها را شامل می شود.

تعریف مفهومی ابراز محبت: توافق در مورد ابراز علاقه، عشق و محبت را در بر می گیرد (کهکی، 1384) .

¹.Marital Satisfaction

فصل دوم

مفاهیم، نظریات و پیشینه پژوهش

در این فصل ابتدا به مبحث ازدواج پرداخته می شود و سپس به مبحث انتخاب همسر و نظریه همسان همسری و ناهمسان همسری می پردازیم و خانواده، اهمیت و کارکرد آن مورد توجه قرار خواهد گرفت. رضایت زناشویی و عوامل مؤثر بر آن، شخصیت و نظری های شخصیت مبحث بعدی خواهد بود و در نهایت به تحقیقات انجام شده در زمینه رضایت زناشویی و عوامل شخصیتی پرداخته خواهد شد.

2-1 تعریف ازدواج

ازدواج پیوندی است که بر اساس فرامین الهی و جهت تکامل هریک از زوجین و بقای نسل بشر صورت می گیرد. (زمانپور، 1380).

در فرهنگ جامعه شناسی ازدواج به عنوان یک نهاد فرهنگی تعریف شده که به پیوندی کم و بیش دائمی بین زن و شوهر حکم می کند و به ثمره پیوندشان مشروعیت می بخشد (صداقت، 1382).

ازدواج فرایندی است که از کنش متقابل بین دوفرد که برخی از شرایط قانونی را تحقق بخشیده اند و مراسمی برای ازدواج خود برپا داشته اند و به طور کلی عمل آنها مورد پذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است. همچنین به اعتقاد او در تعریف ازدواج، روابط جسمانی بین دو انسان از دوجنس مخالف به خودی خود کافی به نظر نمی رسد، چه ازدواج مستلزم انعقاد قرارداد اجتماعی است که مشروعیت روابط اجتماعی را موجب می گردد (ساروخانی، 1381).

کلودلوی استروس¹ معتقد است که ازدواج برخوردی است دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت، یامیان قواعد اجتماعی و کشش جنسی.

این تعاریف کمتر به مؤلفه های اساسی که ازدواج را تشکیل می دهند همچون یکپارچگی اجتماعی اشخاص، تعهد، دانش عمومی، قبول مسئولیت، تولید مثل و وظایف و حقوق دوجانبه توجه می کنند. پس می توان گفت

¹.-C-Levi-Strauss

ازدواج چیزی بیش از یک برانگیختگی فیزیکی، پیوند بیولوژیکی و یکپارچگی اجتماعی می باشد. (صداقت، 1382).

کارلسون (1979) معتقد است که روابط زناشویی و ازدواج دارای چهارخصلت است که سایرارتباطات انسانی فاقد آن است: 1-ارتباط جسمانی 2-ارتباط روانی 3- پایایی 4- قرارداد اجتماعی.

همچنین عقد ازدواج نقش جدیدی را به وجود می آورد که جدای از نقش های قبلی است. نقش های تازه به نقش های قبلی فرد افزوده می شوند، ارتباطات جدید میان فردی درهریک اززوج ها گسترش می یابد و ادامه معاشرت ها و سبک زندگی قبلی نیزدگرگون شده و یاازبین می رود. به این ترتیب پیمان ازدواج ، منجر به آغازفصل جدیدی دردوره زندگی فرد می شود.

یانگ و لانگ (1998) نیزخصوصیاتی را برای ازدواج به عنوان یک سیستم منحصر به فرد درنظرمی گیرند. این خصوصیات عبارتند از: 1- زوجین به عنوان دو شخص منحصر به فرد، مجزا ازهم، اما تأثیرگذار و تأثیرپذیرنسبت به هم مطرح هستند. 2- زوجین باید مرزهایی را برای تأمین نیازخانواده ایجاد کنند. 3- زوجین متأثر ازتاریخچه ، فرهنگ و شخصیت یکدیگرهستند، تغییرات اجتماعی روابط زوجین را تحت تأثیر قرارمی دهد (سلیمانیان، 1384).

2-1-1 انگیزه ها و اهداف ازدواج:

ازدواج و برقراری رابطه زناشویی ازنیازهای اساسی بشر بوده و تداوم و سلامت فرد و جامعه درگروآن است. درواقع ازدواج برای انسان یک نیازطبیعی و فطری است که ازآفرینش ویژگی انسان سرچشمه می گیرد و باید آن را بیش ازیک قرارداد متعارف اجتماعی تلقی کرد که درصورت عدم تحقق آن آسیب به نظام اجتماعی جامعه وارد می شود. ازجمله مهمترین هدف های ازدواج را می توان نیل به آرامش و آسایش، تأمین نیازهای جنسی، بقای نسل، تکامل فردی و اجتماعی، سلامت و امنیت فردی و اجتماعی و سرانجام تأمین نیازهای روانی-اجتماعی درفرد نام

برد(نوابی نژاد، 1379).

درباره اهداف ازدواج نظریات گوناگونی وجود دارد. طرفداران نظریه جنسی اعتقاد دارند که هدف اصلی ازدواج شکل حقوقی و رسمی دادن به محرکات غریزی است که بنیان وهدف نهایی آن به شمار می رود (شبانی حصار، 1379).

گروهی هستند که ازدواج را وسیله ای برای تضمین خویشتن دربرابردشواری های مادی می دانند. برخی دیگر از طریق ازدواج می خواهند امنیتی علیه احساس بی کسی ایجاد کنند و یا از تنهایی بپرهیزند. در واقع ازدواج کنش پیچیده ای است که هدف های بیشماری را دربردارد. اما در میان این هدف ها بر حسب زمان های مختلف و مناطق گوناگون، یک یا چند هدف از اهمیت بیشتری برخوردار هستند (همان منبع).

ساموئل کینیک اظهار داشته است که سه عامل مهم افراد را به طرف ازدواج کشانیده است: 1- میل به داشتن فرزند 2- نیاز اقتصادی 3- عشق (صافی، 1374).

لندیس (1975) به عواملی که در شروع و ادامه رابطه دوستی منجر به ازدواج می شود اشاره می کند:

جذابیت فیزیکی، رضایتمندی از نیازهای شخصیتی معین نظیر درک همدیگر، احترام گذاشتن به ایده آلهها و محترم شمردن چیزهایی که یک شخص آرزو می کند به دست آورد، درک عاطفی، کمک به شخص برای تصمیم گیری، برانگیختن هدف ها، به خود اعتماد داشتن، نگاه کردن به پیشرفت ها ولذت بردن از آنها، تقسیم علایق و مسئولیت های خاص باهمدیگر (صداقت، 1382).

هرچند این اهداف ذکر شده امروزه نیز مورد پذیرش جوامع سالم است لیکن متخصصان خانواده سه دلیل اساسی را برای ازدواج برمی شمارند: 1- عشق و علاقه 2- مصاحبت وهمنشینی 3- تحقق انتظارات.

1- عشق: منظور از عشق و علاقه احساسات عمیق مثبت است که زن و مرد پس از ازدواج نسبت به یکدیگر تجربه می کنند و برای اینکه زندگی زناشویی به خوشنودی بیانجامد باید این احساسات عمیق اعلام شود و پاسخ